

گامی نو و شایسته در معجم نگاری قرآنی

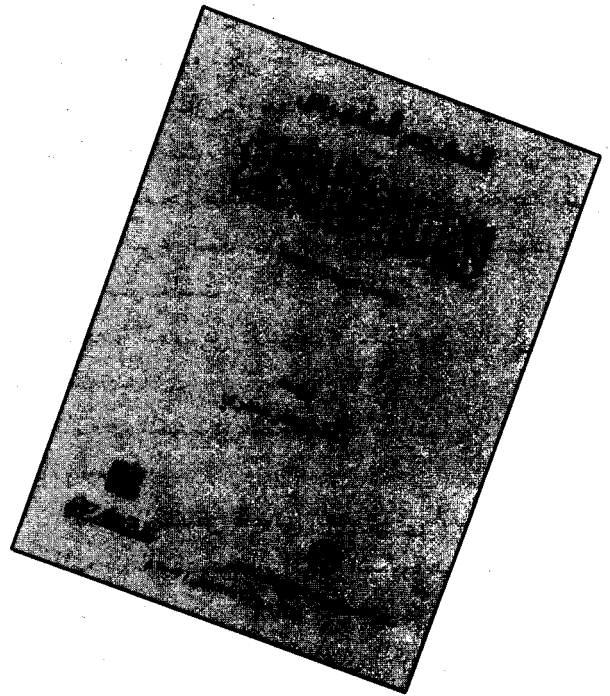
محمدعلی مهدوی راد

پیشینه معجم نگاری قرآنی

قرآن کریم از معدود کتاب هایی است که از آغاز نزول آن تا کنون، کانون توجه بسیاری از انسان ها بوده و هر کس به فراخور نیاز خویش - اعم از نیازهای معرفتی و معنوی - به سراغ آن رفته و می رود؛ از این رو در میان مردم جهان، به ویژه مسلمانان، مراجعه کنندگان فراوانی دارد.

حجم نسبتاً زیاد قرآن کریم و فراوانی آیات آن از یک سو و گستردگی و جامعیت مطالب آن از سوی دیگر، محققان بسیاری را از دیرباز تا زمان حاضر بر آن داشته تا معجم های لفظی و موضوعی گوناگونی را برای این کتاب آسمانی تدوین کنند. برخی از مشهورترین این معجم ها که به چاپ رسیده و در دسترس همگان قرار گرفته، به شرح زیر است:

الف) معجم های قدیم: ۱- مفتاح کنوز القرآن از میرزا کاظم بک، فتح الرحمن لطالب آیات القرآن از علمی زاده فیض الله الحسنی، المرشد إلى آیات القرآن الکریم و کلماته از محمد فارس برکات، معجم ألفاظ القرآن الکریم از مجمع اللغة العربیة در مصر، معجم الألفاظ و الأعلام القرآنیة از محمد اسماعیل ابراهیم، الموسوعة القرآنیة المیسرة (ج ۳ و ۵) از ابراهیم الأبیاری، نجوم الفرقان فی أطراف القرآن از گوستاو فلوگل، و سرانجام، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم! ۲ از محمد فؤاد عبدالباقی. ۳



المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، محمد جعفر صدری، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، دوم (در ویرایش ریشه ای) و اول (در ویرایش الفبایی)، ۱۳۸۶ (در هر دو ویرایش)، قطع و تعداد صفحات: وزیری، ۱۸۰۰ صفحه (در ویرایش ریشه ای) و ۱۷۶۰ (در ویرایش الفبایی).

۱. برای اطلاع کامل از معجم های قرآنی قدیم، ر. ک به: المعجم الإحصائی، ج ۱. در این کتاب ارزشمند، گزارش های توصیفی و انتقادی مفصّلی در باب معجم های قرآنی واژه یاب آمده است.
۲. در سال های اخیر، ویرایش های جدیدی از این کتاب به بازار عرضه شده است که ساختار کلی آنها تغییر چندانی نکرده است؛ تنها تفاوت آنها در افزودن متن قرآن، مشکل ساختن آیات و یا تغییر روش ترتیب مدخل ها از ریشه ای به الفبایی و امثال آن بوده است؛ مانند: المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم از حسین اعلمی (بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۰ ق/ ۱۹۹۹ م)، اثر دیگری با همین نام از محمد سعید اللحام (بیروت: دار المعرفة، ۱۴۲۵ ق/ ۲۰۰۵ م)، ترتیب المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم؛ از محسن بیدارفر؛ (قم: بیدارفر، ۱۳۸۱ ش) و المعجم المفهرس، از عبدالرحیم عقیقی بخشایشی (قم: مکتبه نوید اسلام، ۱۳۸۳ ش = همان ویرایش اعلمی به همراه متن قرآن کریم).
۳. برای اطلاع از زندگی نامه او، ر. ک به: الأعلام یزکلی، ج ۶، ص ۳۳۳.

معجم‌های جدید: فهرس الألفاظ از محمود رامیار، المعجم المفسر لآیات القرآن الکریم از الیاس کلانتری (تهران: اسوه، ۱۳۷۷ ش)، معجم کلمات القرآن العظیم از محمد عدنان سالم و محمد وهبی سلیمان (بیروت: دار الفکر المعاصر - دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م)، المعجم المفسر لکشف آیات القرآن از رضا کیان‌زاد (تهران: کیان کتاب، ۱۳۸۰ ش/ ۱۴۲۲ ق)، المعجم الإحصائی لألفاظ القرآن الکریم از محمود روحانی (مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش) و معجم ألفاظ القرآن الکریم از حسان عبدالمنان (ریاض: بیت الأفكار الدولیة، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۰ م).

المعجم المفسر لألفاظ القرآن الکریم اثر دانشمند فقید مصری، مرحوم محمد فؤاد عبدالباقی (۱۲۹۹ - ۱۳۸۸ ق) به طور قطع مهم‌ترین، ارزشمندترین، کارآمدترین و متداول‌ترین فرهنگ واژه‌یاب قرآنی به شیوه‌ی ریشه‌ای است که تا کنون فراهم آمده است. این کتاب که در سراسر جهان اسلام قبول عام یافته و از دیرباز، همه قرآن‌پژوهان را در پژوهش‌های قرآنی خود یاری رسانده است، نخستین بار در سال ۱۳۶۴ ق/ ۱۹۴۵ م در قاهره و توسط دار الکتب المصریة به چاپ رسیده و پس از آن، در همان جا و برخی دیگر از کشورهای اسلامی، مانند لبنان، سوریه، ترکیه، ایران و... به همان صورت اولیه و اخیراً گاه با تغییرات اندکی تجدید چاپ شده است. این معجم نقطه‌ی عطفی است در تاریخ نگارش معجم‌های واژه‌یاب قرآنی که بخشی از آیه قرآن را به همراه دارد.

مؤلف همان‌گونه که در مقدمه کتاب اظهار می‌کند، در تدوین این معجم، خود را وام‌دار مستشرق آلمانی، گوستاو فلوگل و کتاب ارزشمندش نجوم الفرقان فی أطراف القرآن (منتشر شده در سال ۱۸۴۲ م) می‌داند. عبدالباقی اثر فلوگل را سنگ بنای کار خویش قرار داده، با مراجعه مکرر به منابع لغوی و تفسیری و افزودن آیات قرآن کریم و نشان دادن سیاقی که واژه قرآنی در آن به کار رفته، اثر ماندگار خویش، یعنی المعجم المفسر را پدید آورده است.

المعجم المفسر دارای سبکی بدیع، زیبا و برخوردار از دقت و اتقان نسبی است، ولی علی‌رغم امتیازات فراوانی که دارد، دارای نقاط ضعف و کاستی‌هایی نیز هست که بر قرآن‌پژوهان و مراجعه‌کنندگان به آن، پوشیده نیست. در ادامه این مقال و به تناسب، به برخی از این کاستی‌ها اشاره می‌کنیم. امروزه با گذشت حدود هفت دهه از نخستین چاپ معجم عبدالباقی و با توجه به پیشرفت ابزارها و امکانات معجم‌نگاری و نیز تجربه‌های فراوانی که در این حوزه صورت گرفته و حاصل

آن‌هم اکنون در معرض دید و ارزیابی همگان قرار دارد، نباید همچنان به حاصل کار پیشینیان بسنده کرد و پیوسته بر سر سفره حاضر و آماده آنان نشست، بلکه انتظار می‌رود در پرتو نقد و بررسی میراث گذشتگان و مشخص ساختن نقاط قوت و ضعف آن و نیز با به کارگیری ابزارها و امکانات جدید، گامی به جلو نهاد و اثری نو، کارآمد و پیراسته از کاستی‌های آثار پیشینیان و برخوردار از نقاط قوت و جهات مثبت آنها پدید آورد؛ به گونه‌ای که بتواند حتی الامکان کار اطلاع‌رسانی در این حوزه را توسعه کمی و کیفی دهد و با رعایت معیارهای معجم‌نگاری، نیازهای مراجعه‌کنندگان را در دستیابی به آیه و آیات مورد نظر، به درستی و به آسانی و در کمترین زمان ممکن تأمین نماید.

معجم حاضر گامی است مبارک و قابل تجلیل در راستای جامه عمل پوشاندن به این مهم که به ویژه با بهره‌گیری از اثر ارزشمند و ماندگار مرحوم محمد فؤاد عبدالباقی، یعنی المعجم المفسر لألفاظ القرآن الکریم پدید آمده است.

این معجم در دو شکل جداگانه - هم به صورت ریشه‌ای و هم به صورت الفبایی - توسط دفتر پژوهش و نشر سهروردی منتشر گردیده است. آن‌گونه که در صفحات آغازین کتاب آمده، این دو معجم حلقه اول و دوم از یک مجموعه چندجلدی با عنوان «موسوعة المعاجم و البحوث القرآنیة» است که دیگر عناوین آن عبارت است از:

- المعجم المفسر للأدوات و الضمائر فی القرآن الکریم (در دست تهیه)؛

- المعجم المفسر لمعاني ألفاظ القرآن الکریم (بخش اسماء و افعال)؛

- المعجم المفسر لمعاني الحروف فی القرآن الکریم؛
- المعجم المفسر للتراكيب المكررة فی القرآن الکریم (در دست تهیه)؛

- المعجم التحليلي لإعراب القرآن الکریم و صرفه؛
توفیق مؤلف محترم را برای اتمام این مجموعه ارزشمند، از خداوند بزرگ مسئلت داریم.

ساختار کلی معجم

هر یک از این دو معجم، از سه بخش تشکیل شده است: مقدمه، متن معجم و مؤخره. در مقدمه هر دو کتاب، مؤلف محترم در باب معرفی کتاب و ویژگی‌ها و امتیازات آن در مقایسه با معجم عبدالباقی به تفصیل سخن گفته است و نگارنده نیز در نگارش این معرفی، افزون بر مراجعات و مشاهدات مکرر روزانه و استفاده مستقیم خود، بسیار از آن استفاده کرده است.

ویژگی های کلی معجم

برخی از مهم ترین ویژگی های معجم حاضر به شرح زیر است:
 ۱- افزودن متن کامل قرآن کریم: در راستای تسهیل و تسریع در دستیابی به مقصود، متن کامل قرآن کریم به خط زیبای خطاط مشهور سوری، عثمان طه در کنار «۶۰۴» صفحه نخستین معجم آمده است.

۲- اعراب گذاری کامل آیات و مشکل ساختن آنها: در معجم حاضر، علاوه بر مدخل ها، تمامی آیات قرآن نیز دارای اعراب است و به صورت مشکل آمده است. مؤلف در ارتباط با فایل قرآن مورد استفاده در تهیه معجم خود و میزان صحت آن می نویسد (مقدمه فارسی ویرایش ریشه ای، ص ۱۰):

فایل متن عربی قرآن کریم که در تهیه معجم حاضر مورد استفاده قرار گرفته است، علاوه بر تصحیح اولیه در آغاز کار و نیز تصحیحات مکرر در طول بیش از هفت سال آماده سازی آن، چند بار توسط کارشناسان و مصححان سخت کوش «سازمان دارالقرآن الکریم» تصحیح شده است؛ به گونه ای که به جرئت می توان ادعا کرد که اگر بی غلط نباشد، دست کم غلطهای آن نزدیک به صفر است و از این بابت خدای بزرگ را سپاس می گویم. بر این اساس، امید آن می رود که معجم حاضر از هر گونه سهو و اشتباه و از آن جمله اشتباهاتی که در معجم محمد فؤاد عبدالباقی، چه در ناحیه مدخل ها و چه در ناحیه آیات قرآنی و دیگر بخش های آن راه یافته، مصون مانده باشد.^۲

۴. پاره ای از این اشتباهات بدین شرح است:

برخی از مدخل ها به غلط اعراب گذاری شده اند، مثلاً: «فَأَنْبِئُوا» به جای «فَأَنْبِئُوا»، «أَزْوَاجِكُمْ» به جای «أَزْوَاجِكُمْ»، «ضَرَّ» به جای «ضَرَّ» و «يُزْعَمُونَ» به جای «يُزْعَمُونَ» و یا استفاده از همزه قطع به جای همزه وصل در مدخل های «أَنْتَ»، «أَنْتِ»، «أَنْتِ»، «أَنْتِ»، «أَنْتِ» و... در برخی از آیات، کلمه ای به جای کلمه ای دیگر آمده است، مانند: «قَالَ» به جای «قَالَ» (در ذیل مدخل «جَسْتَنَا»، طه: ۵۷)، کلمه «الْعَلِيمُ» به جای «السَّمِيعُ» (در ذیل مدخل «شَيْءٌ»، شوری: ۱۱) و «لَلْكَافِرِينَ» به جای «لِلْظَّالِمِينَ» (در ذیل مدخل «نَارًا»، کهف: ۲۹). این جابه جایی در برخی دیگر از آیات به گونه ای دیگر صورت گرفته است؛ مثلاً ذیل مدخل «يَهْتَدُونَ»، به جای آیه ۱۶ سوره ی نحل، آیه ۱۵ که کلمه «يَهْتَدُونَ» در آن به کار رفته آمده است، و یا ذیل مدخل «أَزْوَاجِكُمْ»، به جای آوردن ابتدای آیه ۱۱ سوره ی ممتحنه، انتهای آن که مشتمل بر کلمه «أَزْوَاجِكُمْ» است آمده است. عکس مورد اخیر، در مورد مدخل «اللَّهُ» اتفاق افتاده، یعنی در سوره یوسف، آیه ۴۰، به جای آوردن قسمت اخیر آیه، قسمت نخست آن که مشتمل بر واژه ی «اللَّهُ» است، آورده شده است و یا ذیل مدخل «يَضْرِبُونَ» (انفال: ۵۰)، آن مقدار از آیه که ذکر شده، فاقد این کلمه است.

در چاپ نخست ویرایش ریشه ای آن، مقدمه کتاب هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی آمده است؛ در حالی که در چاپ دوم آن، در برخی از نسخه ها مقدمه فارسی و در برخی دیگر، مقدمه عربی آمده است. در انتهای مقدمه، به منظور تسریع و تسهیل استفاده از معجم، مطالبی زیر عنوان «راهنمای استفاده از کتاب حاضر» در یک صفحه ذکر شده است که می تواند بسیار کارآمد باشد.

در مؤخره کتاب، علاوه بر خلاصه مقدمه کتاب به زبان انگلیسی، چند پیوست حاوی برخی اطلاعات مفید نیز به چشم می خورد: «فهرست واژه های دشواریاب قرآنی و ریشه های آنها» (در ویرایش ریشه ای)، «فهرست سوره ها و آیات مکی و مدنی»، «فهرست کلماتی که به بخش ادوات و ضمایر ارجاع شده است» (در ویرایش ریشه ای)، «فهرست اسامی سوره های قرآن» (در ویرایش الفبایی، به ترتیب حروف الفبا) و «فهرست منابع و مأخذ».

ساختار کلی معجم حاضر، علی رغم شباهت های بسیاری که به معجم محمد فؤاد عبدالباقی دارد و در حقیقت، به نوعی اقتباس از آن است و بدین جهت، به همان نام نامیده شده، دارای تفاوت های عمده و بارزی است. این معجم تقریباً همانند معجم عبدالباقی به صورت دو ستونه که هر ستون آن، خود، متشکل از شش ستون فرعی است، به شرح زیر تنظیم شده است: (۱) ستون مدخل یا واژه قرآنی؛ (۲) ستون آیه و آیات قرآن که واژه ی مورد نظر در آن به کار رفته است؛ (۳) ستون شماره آیه؛ (۴) ستون شماره صفحه قرآن؛ (۵) ستون نام سوره؛ (۶) ستون شماره سوره.

با توجه به دقت و تأملی که در هنگام آماده سازی معجم حاضر به کار رفته است، به جرئت می توان گفت این معجم در بین معجم های واژه یاب که مدخل های قرآنی را در بافت خاص خود نشان می دهند، از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ و به عبارت دیگر، معجم حاضر امتیازات همه معجم های قدیم و جدید یادشده را - که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد - به همراه پاره ای از امتیازات دیگر در خود جمع کرده است؛ البته این بدان معنی نیست که معجم مورد نظر فاقد هر گونه ضعف و کاستی است. برخی از کاستی های معجم در روایت الفبایی آن که یک سال پس از روایت ریشه ای آن منتشر گردیده، بر طرف شده است؛ به گونه ای که بنا به گفته مؤلف، می توان روایت الفبایی را از یک نظر، ویرایش جدیدی از روایت ریشه ای آن دانست. امید است کاستی های روایت ریشه ای نیز در چاپ های بعدی بر طرف شود.

ویژگی های هر دو معجم را می توان به سه دسته اساسی تقسیم کرد: ۱- ویژگی های کلی؛ ۲- ویژگی های ستون مدخل؛ ۳- ویژگی های ستون آیات.

۳- افزودن ستون شماره صفحات: به منظور تسریع و تسهیل در جستجوی آیات، ستون ویژه‌ای برای نشان دادن شماره صفحه‌ای که آیه مورد نظر در آن واقع شده، تدارک دیده شده است. شماره صفحات مطابق با رسم الخط خوشنویسی شده عثمان طه است که در متن صفحات نخستین معجم نیز تعبیه شده است؛ از این رو، با به خاطر سپردن شماره صفحه و شماره آیه به راحتی و در کمترین زمان ممکن می‌توان به آیه مورد نظر دست یافت.

گفتنی است این ستون به جای ستون تعیین مکی و مدنی در معجم محمد فؤاد عبدالباقی آمده است. سوره‌ها و آیات مکی و مدنی طی پیوستی جداگانه در انتهای معجم مشخص گردیده است.

۴- افزودن ریشه کلمات: به منظور آشنایی با ریشه همه مدخل‌ها، افزون بر ذکر ریشه اولین و آخرین مدخل در قسمت سرصفحه، در متن معجم و پیش از هر واژه و یا واژه‌های هم‌خانواده، ریشه آنها نیز ذکر شده است. این امر علاوه بر آشنا ساختن مراجعه‌کننده با ریشه یکایک واژه‌ها او را در مراجعه به کتاب‌های لغت و فهم معنای واژه‌ها نیز کمک می‌کند.

اهمیت این امر، هنگامی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم در معجم عبدالباقی، به طور مستقل به ذکر ریشه کلمات پرداخته نشده است، بلکه فقط در قسمت سرصفحه، تنها ریشه اولین و آخرین مدخلی که در هر صفحه به کار رفته، ذکر شده است؛ از این رو، به ریشه کلماتی که بین اولین و آخرین مدخل قرار گرفته‌اند، هیچ اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین در معجم عبدالباقی، از مجموع ۱۷۷۱ ماده قرآنی، تنها به ریشه ۴۹۱ مورد در سرصفحات اشاره شده است.^۵

۵- اتخاذ هر دو شیوه ریشه‌ای و الفبایی، البته به طور جداگانه: همان‌گونه که پیش از این اشاره کردیم، مؤلف محترم در ارائه معجم خود از هر دو شیوه، یعنی شیوه ریشه‌ای (ترتیب مدخل‌ها بر اساس ریشه آنها) و شیوه الفبایی (ترتیب مدخل‌ها بر اساس حروف ابتدای آنها) استفاده کرده است. وی در مورد جهات مثبت و منفی هر یک از این دو شیوه، چنین می‌نویسد (مقدمه فارسی ویرایش ریشه‌ای، ص ۱۲):

نگارنده معتقد است: افراد در مراجعه به هر یک از این دو نوع معجم، بسته به میزان آشنایی خویش با ادبیات عرب و به ویژه ریشه کلمات از یک سو، و تطفن شخصی و شیوه‌ها و سلیقه‌های به کار گرفته شده توسط تهیه‌کننده آنها، با مشکلات خاصی روبرو است، و از این رو، نمی‌توان به طور کلی یک شیوه را به طور مطلق بر شیوه دیگر ترجیح داد.

شیوه‌ی الفبایی - که امروزه بیش از پیش مورد توجه معجم‌نگاران قرار گرفته - هرچند در دستیابی به اکثر کلمات کارگشایتر است و انسان را سریع‌تر به آیه مورد نظر رهنمون می‌شود، ولی در مورد برخی از واژه‌ها کارایی لازم را ندارد؛ مثلاً در مورد جستجوی واژه‌های دارای «ال»، تا از سلیقه تهیه‌کننده معجم اطلاع نداشته باشد که آیا آن را در ترتیب خود به حساب آورده یا نه، نمی‌تواند به سرعت و به سهولت، به آیه مورد نظر خویش دست پیدا کند و بر فرض که دانست مثلاً تهیه‌کننده در هیچ‌جا «ال» را به حساب نیاورده است، باز در مورد واژه‌هایی مثل «اللّه»، «الذی»، «الّتی» و «الیس» دچار مشکل می‌شود؛ چرا که «ال» در ابتدای این چند واژه، هرچند «ال» متعارف نیست تا بنا بر فرض، مثل بقیه موارد، نادیده گرفته شود، ولی با همزه ابتدای این چند کلمه، معامله همزه وصل موجود در ابتدای کلمات دارای «ال» می‌شود؛ یعنی به هنگام اتصال به کلمه قبل، همزه اول آن تلفظ نمی‌شود و این امر می‌تواند برای بسیاری از افراد موجب سردرگمی و مستلزم صرف زمان باشد.

از این مورد نیز که بگذریم، به کلماتی می‌رسیم که حروف متصلی نظیر: «ب»، «ت»، «س» و ... بر سر آنها در آمده و یا حروف منفصلی مانند: «آ»، «و» و ... قبل از آنها قرار گرفته است و کسانی که با ادبیات عرب آشنایی نداشته باشند، مجموع آنها را یک کلمه به حساب می‌آورند. در این گونه موارد نیز مراجعه‌کننده ممکن است دچار سردرگمی شود؛ بنابراین کارایی شیوه الفبایی و سهولت و سرعت استفاده از آن نیز مستلزم پیش‌نیازهایی است.

شیوه ریشه‌ای نیز مشکلات خاص خود را دارد. عواملی از جمله ۱- ناآشنایی بسیاری از مراجعه‌کنندگان با ریشه

۵. ر. ک. به: المعجم الإحصائی؛ ج ۱، ص ۱۲.

۶. صاحب نظران در مورد «ال» موجود در ابتدای این کلمات و کلمات مشابه اختلاف نظر دارند: مثلاً المعجم الإحصائی و معجم کلمات القرآن العظیم که معمولاً «ال» در ابتدای کلمات را به حساب نمی‌آورند، همه این کلمات را در باب «الف» آورده‌اند، ولی محمد فؤاد عبدالباقی سه مورد اول را در باب «الف» و مورد اخیر را در ذیل ریشه «ی س ع» و باب «یاء» آورده است؛ این در حالی است که «الّتی» و «الذی» در لسان العرب، در ذیل ماده «لنا» (ج ۱۲، ص ۲۳۳)، در الصحاح، ذیل ماده «لتی» (ج ۶، ص ۲۴۷۹) و در المنجد، به ترتیب ذیل ریشه «ل ت ی» و «ل ذ ی» (ص ۷۱۲ و ۷۱۹) ذکر شده‌اند؛ البته به نظر می‌رسد در مورد این گونه کلمات و نیز همه واژه‌های «دخیل» بهتر است همه حروف صورت مفرد آن کلمه به عنوان ریشه در نظر گرفته شود.

کلمات؛ ۲- اختلاف نظر صاحب نظران در مورد ریشه برخی از کلمات؛ ۳- وجود پاره‌ای از واژه‌های دخیل و غیرعربی در میان واژه‌های قرآنی؛ ۴- دیریاب بودن ریشه برخی از کلمات حتی برای آشنایان با ادبیات عرب و ریشه کلمات، به ویژه در مواردی که بین ریشه واقعی یک کلمه و ریشه‌ای که در بدو امر به ذهن انسان متبادر می‌شود،^۸ و اموری دیگر، این شیوه را در نزد برخی از صاحب نظران ناکارآمد جلوه داده است.

ولی نباید از نظر دور داشت که اولاً بسیاری از افراد، به ویژه ادیبان، قرآن پژوهان و تحصیل کردگان حوزه‌های علمی در پرتو سال‌های متمادی مراجعه به معجم‌های ریشه‌ای، اعم از معجم‌های قرآنی و معجم‌های لغت که اکثر قریب به اتفاق آنها بر همین اساس تدوین شده است، با این شیوه خو گرفته‌اند و از این رو، آن را ترجیح می‌دهند و در راه‌یابی از طریق این شیوه، با مشکل چندانی روبرو نیستند؛ ثانیاً آشنایی با ریشه کلمات، خود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و فهم دقیق معانی کلمات، و از آن جمله، کلمات قرآنی تا حدود زیادی متوقف بر آن است؛ به ویژه با توجه به این نکته که اکثر کتاب‌های معتبر لغت بر اساس همین شیوه تدوین شده‌اند؛ ثالثاً در مواردی که انسان مفهوم کلمه‌ای را به صورت اجمال در ذهن دارد و ساختار صرفی دقیق آن را به خاطر نمی‌آورد و یا بیش از آنکه در صدد یک جستجوی لفظی باشد، در پی یک جستجوی «مفهومی» و یا «لفظی- مفهومی» است و از این رو، لازم است همه مشتقات یک ریشه را یک جا و در کنار هم مشاهده کند، بدیهی است نه تنها شیوه ریشه‌ای بهتر و سریع‌تر او را به مقصد و مقصود می‌رساند، بلکه گاه چنین امکانی در شیوه الفبایی غیرممکن می‌نماید؛ در هر حال، هر یک از این دو شیوه دارای جهات مثبت و منفی مخصوص به خود هستند و هر کدام مخاطب خاص خود را دارند.

با این حال، در ویرایش ریشه‌ای، علاوه بر استفاده از شیوه ارجاع در موارد متعدد، جدول واژه‌های دشواریاب موجود در ابتدای معجم عبدالباقی نیز تکمیل و تصحیح، و ریشه آنها ذکر شده است (پیوست شماره ۱).

برای نمونه، مراجعه کننده واژه‌های «يَكْتَبُ»، «سَكَّتَبُ» و «الْكَتَابُ» را در ویرایش ریشه‌ای، تماماً در «باب الکاف» و ذیل ریشه «ک ت ب» جستجو می‌کند؛ در حالی که در ویرایش الفبایی، «يَكْتَبُ» را در «باب الیاء»، «سَكَّتَبُ» و «الْكَتَابُ» را (با نادیده گرفتن حرف «س» و «ال» به ترتیب، در «باب النون» و

«باب الکاف» دنبال خواهد کرد.

۶- استفاده از شیوه ارجاع: یکی از شیوه‌هایی که مؤلف در تنظیم معجم خود به کار گرفته و تا حدود زیادی کار دستیابی به مدخل‌ها و نهایتاً آیه و آیات مورد نظر را تسهیل و تسریع می‌کند و در معجم‌های مشابه نیز دیده نمی‌شود، استفاده از شیوه ارجاع است. وی در مجموع، بیش از پانصد مورد در محورهای زیر از این شیوه استفاده کرده است:

الف) در مواردی که صاحب نظران در تشخیص ریشه یک کلمه اختلاف نظر داشته باشند. در این گونه موارد، پس از ذکر کلمه یاد شده ذیل ریشه صحیح تر و یا ارجح، از ذیل ریشه یا ریشه‌های ادعایی دیگر، بدان ارجاع داده است؛ مثلاً کلمه «التَّرَاقِي» را ذیل ریشه «ت ر ق» ذکر کرده و از ذیل ریشه‌های «ر ق و» و «ر ق ی» به آن ارجاع داده است.

در تعیین ریشه صحیح کلمات، به جز در موارد بسیار نادر، کتاب ارزشمند معجم ألفاظ القرآن الکریم تهیه شده توسط «مجمع اللغة العربیة» در مصر، مبنای کار بوده است؛ همچنان که در دستیابی به اختلاف آرا در ریشه کلمات، کتاب گرانقدر المعجم الإحصائي لألفاظ القرآن الکریم اثر دکتر محمود روحانی مورد استفاده قرار گرفته است.

ب) در مواردی که بین ریشه واقعی یک کلمه و ریشه‌ای که در بدو امر به ذهن انسان متبادر می‌شود، تفاوت وجود داشته باشد. مثلاً واژه «يَلْتَكُمُ» که از ماده «ل ت ي» (ل ت، ي لیت، لیتاً) (مثل بَاع، يَبِع، يَبِعاً) است، ذیل ریشه «ل ی ت» ذکر شده، از ذیل ریشه «و ل ت» بدان ارجاع داده شده است؛ چرا که در بدو امر این احتمال می‌رود که «يَلْتَكُمُ» بر وزن «يَعِدُّكُمْ» و از ریشه «و ک ت، ی ک ت» باشد.

ج) در مواردی که در یکی از حروف اصلی کلمه «قلب» صورت گرفته و یکی از حروف آن به حرفی دیگر تبدیل شده باشد، مانند واژه «ادَّكَّرَ» و «تَدَخَّرُونَ» که هر دو از باب «افتعال» و به ترتیب، از ریشه «ذ ک ر» و «ذ خ ر» هستند و بر اساس قواعد این باب، بدین صورت در آمده‌اند. در این جا، پس از ذکر واژه‌های یادشده ذیل ریشه «ذ ک ر» و «ذ خ ر»، از ذیل ریشه «ذ ک ر» و «ذ خ ر» به آنها ارجاع داده شده است.

د) در مواردی که یکی از حروف اصلی یک واژه حذف شده باشد و در این صورت، با واژه‌ای دیگر قابل اشتباه باشد، مانند

۷. برای آشنایی با اختلاف آرا در باب ریشه کلمات قرآنی، ر. ک به:

المعجم الإحصائي؛ ج ۱، ص ۵۸۳.

۸. برای مشاهده برخی از این قبیل واژه‌ها، ر. ک به: «پیوست شماره ۱» در انتهای ویرایش ریشه‌ای کتاب.



است در کتابی دیگر و در «بخش ادوات و ضمائر» از همین مجموعه ذکر کند.

ویژگی های ستون مدخل

ستون «مدخل» دارای ویژگی هایی است که در این جا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۹. معجم محمد فؤاد عبدالباقی در زمینه پوشش واژه های قرآنی، خالی از ضعف نیست. در این جا، به برخی از مهم ترین آنها اشاره می شود:
 اولاً: برخی از مدخل ها را از قلم انداخته است؛ مانند واژه «اللَّهُ» (فاتحه: ۱)، «عَنْدَ» (بینه: ۸)، «مَعَ» (مائده: ۸۴ و انفال: ۱۹ و ۴۶)، «بَعَثْنَاهُمْ» (کهف: ۱۲ و ۱۹) و «نَقَضْنَاهُمْ» (نساء: ۱۶۴). دو واژه اخیر هر چند جداگانه نیامده است، ولی اشتباهاً به ترتیب، ذیل مدخل «بَعَثْنَاهُمْ» و «نَقَضْنَاهُمْ» ذکر شده اند؛ البته این موارد غیر از موارد پانزده گانه ای است که خود وی پیش از انتشار کتاب متوجه و در مقدمه، متذکر آن شده است. گفتنی است هر دو دسته از این واژه های از قلم افتاده - چه آنهایی که عبدالباقی خود متذکر شده و چه آنهایی که از چشم او مخفی مانده است - در درون معجم و در جای مناسب خویش گنجانده شده است.

در این جا، یادآوری این نکته شایسته است که تعداد کاربرد واژه «اللَّهُ» در معجم حاضر - مطابق با شمارش المعجم الإحصائي (ر. ک. به: ج ۱، ص ۳۲۰-۳۲۱) - برابر با ۲۶۹۹ مورد است «اللَّهُ»: ۹۸۰ مورد، «اللَّهُ»: ۵۹۲ مورد و «اللَّهُ»: ۱۱۲۷ مورد؛ این در حالی است که عبدالباقی تعداد کاربرد کلمه «اللَّهُ» را ۱۱۲۵ مورد ذکر کرده است که با این حساب، مجموع کاربرد واژه «اللَّهُ» بالغ بر ۲۶۹۷ مورد می گردد. معجم ألفاظ القرآن الکریم نیز به تبع از او، همین رقم را ذکر کرده است. منشأ این اختلاف عبارت است از: ۱- به حساب نیابردن واژه «اللَّهُ» در نخستین آیه از سوره فاتحه (در حالی که دیگر واژه های این آیه در مواضع خود به حساب آمده اند)؛ ۲- اشتباه چایی در ثبت تعداد دقیق موارد کاربرد واژه «اللَّهُ» و ذکر عدد ۱۱۲۵ به جای ۱۱۲۶ در زیر واژه یادشده. بدین ترتیب، با افزودن این دو مورد به رقم شمارش عبدالباقی، این اختلاف آماری مرتفع می گردد.

ثانیاً: در ذکر ضمائر و حروف، به صورت سلیقه ای و گزینشی عمل کرده است؛ مثلاً از میان انبوه ضمائر متصل و متصل، تنها به ذکر چند ضمیر متصل منصوب، یعنی: «إِيَّاكَ»، «إِيَّاكُمْ»، «إِيَّانَا»، «إِيَّاهُ»، «إِيَّاهُمْ» و «إِيَّايَ» بسنده کرده است؛ همچنان که از میان تعداد بسیار زیاد حروف، تنها به ذکر چند حرف مانند «بَلَى»، «إِي»، «سَوْفَ» و «هَاءُ تَنْبِيهٍ» (در مثل «هَكَذَا» و «هَآأَنْتُمْ» اکتفاء نموده است. نکته جالب توجه اینکه «هَاءُ» که یک پیشوند است، به عنوان مدخل ذکر شده، ولی «أَنْتُمْ» که یک کلمه اصلی است؛ نیامده است.

ثالثاً: در مورد برخی از مدخل ها به صورت یکسان عمل نشده است؛ مثلاً در مورد اسماء موصول، واژه «الَّذِي» با ۳۰۴ مورد کاربرد و جمع آن «الَّذِينَ» با ۱۰۸۰ مورد کاربرد نیامده، در حالی که تشبیه آن «الَّذِينَ» و «الَّذَانِ» هر کدام با یک کاربرد ذکر شده است؛ همچنان که واژه «هَذَا» با ۲۲۵ مورد کاربرد نیامده، ولی تشبیه آن «هَذَانِ» با دو کاربرد آمده است.

واژه «دُعَا» (ابراهیم: ۴۰) که در اصل «دُعَائِي» بوده و «یاء متکلم» از آخر آن حذف شده و در نتیجه، با واژه «دُعَاء» که دارای حرکت اعرابی جرّ است، قابل اشتباه است. در این جا، پس از تفکیک مواضع ذکر آنها و با اشاره به اصل واژه ای که یکی از حروف آن حذف شده (مثل دُعَائِي)، از هر دو موضع به یکدیگر ارجاع داده می شود.

هـ) در مواردی که وزن برخی از کلمات بین دو یا چند ساختار صرفی مشترک باشد؛ مانند آنکه یکی «فعل» باشد و دیگری «وصف». در این گونه موارد، با اشاره به اسم یا فعل بودن کلمه و قرار دادن آن در جای مناسب، از هر دو موضع به یکدیگر ارجاع داده شده است؛ مثل واژه «أَعْلَمُ» که در برخی از آیات فعل است (مثلاً بقره: ۳۰، ۳۳ و اعراف: ۶۲ و ۱۸۸) و در برخی دیگر، صیغه تفضیل (مثلاً بقره: ۱۴۴ و آل عمران: ۳۶). همچنین است اگر در مورد ساختار صرفی یک کلمه اختلاف نظر وجود داشته باشد؛ در این صورت نیز، پس از ذکر آن کلمه در موضع دارای ترجیح، از مواضع دیگر بدان ارجاع داده می شود؛ مثلاً واژه «تَوَكَّلُوا» در آیه «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَكَّلُوا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ۳۲)، که محتمل است کلمه یادشده، یا فعل مضارع باشد (بر وزن «تَفَعَّلُوا» که بر اساس قواعد باب «تَفَعَّلَ»، یکی از دو «تَ» از اول آن حذف شده و یا فعل ماضی (بر وزن «تَفَعَّلُوا»). با توجه به سیاق خطاب در آیه، احتمال اول مرجح دانسته شده، از این رو، آن را در موضع اول ذکر کرده است و از مواضع دیگر بدان ارجاع داده است.

ز) با توجه به تغییر مواضع ذکر برخی از واژه های دخیل در معجم حاضر در مقایسه با معجم محمد فؤاد عبدالباقی، پس از ذکر واژه های دخیل در جای مناسب و ذیل ریشه صحیح خود، با اشاره مجدد به واژه های مورد نظر در موضع ذکر محمد فؤاد عبدالباقی، به موضع صحیح آنها ارجاع داده است.

۷- جامع و مانع بودن در پوشش واژه های قرآنی: معجم حاضر از نقطه نظر دامنه پوشش کلمات قرآنی تا حدود زیادی شبیه معجم عبدالباقی است؛^۹ بنابراین از مجموع اقسام سه گانه کلمه، یعنی اسم و فعل و حرف، تمامی افعال و بخش عمده ای از اسماء را در همین کتاب آورده و تمامی حروف و آن بخش اندک باقیمانده از اسماء که کمتر مورد نیاز است، یعنی ۱- همه ضمائر؛ اعم از ضمائر متصل و متصل؛ ۲- همه اسماء موصول؛ ۳- همه اسماء اشاره؛ ۴- همه اسماء استفهام؛ ۵) همه اسماء شرط را قرار

با توجه به آنچه ذکر شد، باید توجه داشت در جستجوهای «مفهومی» و یا «لفظی-مفهومی» که وجود و عدم «ال»، تنوین و نوع حرکت اعرابی کلمات نقش چندانی ندارند و مهم مفاهیم الفاظ است، لازم است همه موارد کاربرد واژه و حالت های گوناگون آن ملاحظه شود.

۴) همه واژه هایی که قطعاً دخیل است و یا احتمال دخیل بودن آن قوی است، با قرار دادن علامت ستاره (*) در قسمت بالای سمت چپ آنها مشخص شده است.

۵) مشخص کردن آن دسته از افعال مضارع باب «تفعل» و «تفاعل» که یکی از دو «تای مفتوح» «تک» خطاب و «تک» باب به خاطر تخفیف، از ابتدای آنها حذف شده است (مجموعاً ۲۹ مورد). بدین منظور، حرف محذوف داخل پرانتز و در ابتدای افعال یادشده قرار داده شده است؛ مانند «(تک تَبَدَّلُ)» (احزاب: ۵۲) و «(تک تَزَاوَرُ)» (کهف: ۱۷).

۶) مشخص کردن کلماتی که «ی» و «و» از آخر آنها حذف شده است (مجموعاً ۶۷ مورد). این کلمات با قرار گرفتن حرف محذوف در داخل پرانتز و در انتهای آنها مشخص شده است؛ مانند: «دُعَا(ی)» (ابراهیم: ۴۰)، «تُحْزُون(ی)»، «يَدْعُ(و)» (اسراء: ۱۱) و «يَمْحُ(و)» (شوری: ۲۴).

۷) در نگارش کلمات ستون مدخل از نقطه نظر املا و اعراب گذاری، تنها اقتضای ساختار صرفی آنها مدنظر بوده است، نه رسم الخط مصحف و نه اقتضای موقعیت جغرافیایی آنها در ارتباط با کلمات قبل و بعد؛ از این رو، مثلاً در مواردی نظیر: الف) «فَسْتَلِّ» (یونس: ۹۴) که رسم المصحف اقتضای آن داشته که این کلمه بدون همزه وصل بیاید؛ ب) در مواردی که برای رفع التقای ساکنین، حرف آخر کلمه مکسور و یا مضموم شده، مانند: «قُلْ» و «رَأَوْا» در «قُلْ انظُرُوا» (یونس: ۱۰۱) و «رَأَوْا الْعَذَابَ» (بقره: ۱۶۶)؛ ج) کلمات مختوم به «الف مقصوره» که به سبب قرار گرفتن قبل از کلمه ای که با حرف ساکن شروع می شوند، «الف کوچک» بر روی یاء «ی» حذف می شود، مثل

۱۰. در معجم محمد فواد عبدالباقی مدخل ها معمولاً به همراه این دسته از حروف متصل و منفصل آمده اند؛ هر چند در موارد اندکی ناهماهنگ عمل شده است و برخی از مدخل ها فاقد پیشوند متصل اند.
۱۱. واژه هایی که دارای تنوین نصب هستند (مثل ذُكْرًا)، به سبب «الف» اضافی در آخر آن، خود به خود در آخر قرار می گیرند.
۱۲. در این زمینه نیز در معجم محمد فواد عبدالباقی مدخل ها به صورت یکسان ثبت نشده اند؛ مدخل ها گاهی دارای «ال»، و گاهی فاقد «ال» هستند.

۱- مؤلف یکایک مدخل ها را، هم از نظر تعداد و هم از نظر میزان فراوانی، هم با معجم عبدالباقی و هم با المعجم الإحصائي مقایسه و کنترل کرده است. وی به جای آنکه مدخل های مربوط به هر یک از ریشه ها را مستقلاً و از نو تایپ کند، آنها را از خود آیات گرفته و گفته است با این کار، دو هدف را دنبال کرده است: الف) اطمینان یافتن از اینکه مبدا مدخلی از قلم بیفتند و یا ناخواسته میزان فراوانی آن کاهش و یا افزایش یابد؛ ب) پی بردن به خطاهای احتمالی در ناحیه حرکت های اعرابی کلمات. در نهایت، مؤلف توانسته است به طور ضمنی فایل قرآن مورد استفاده خویش را تصحیح نماید.

۲- مدخل ها بر خلاف معجم محمد فواد عبدالباقی^{۱۰} به طور یکسان، فاقد هر گونه پیشوند، اعم از پیشوندهای منفصل مانند «و»، «أ»، «لَمْ» و پیشوندهای متصل مانند «ب»، «تک»، «سک»، «فک» می باشند؛ این در حالی است که همه پسوندها، مانند ضمائر متصل و «نون تأکید» به حال خود باقی گذارده شده اند؛ مانند: «أَخَذْتُهُمْ» و «أَصْلَبْنَكُمْ» که حرف «ف» و «ل» به ترتیب از ابتدای آنها حذف شده، ولی ضمیر «هُمْ» و «نون تأکید» به همراه ضمیر «كُم» باقی مانده اند.

۳- در این معجم، مدخل های اسمی دارای «ال» و بدون «ال»، مدخل های دارای تنوین و بدون تنوین، مدخل هایی که حرف آخر آنها دارای حرکت اعرابی متفاوت است، از یکدیگر تفکیک و به ترتیب زیر ذکر شده اند: الف) واژه های بدون «ال» و بدون تنوین؛ ب) واژه های بدون «ال» و دارای تنوین مضموم و مکسور؛ ج) واژه های دارای «ال». در هر یک از سه حالت یاد شده، اول واژه های مضموم، پس از آن واژه های مفتوح، و سپس واژه های مکسور ذکر شده اند؛ بر این اساس، تمامی واژه هایی که در معجم عبدالباقی، ذیل مدخل «الدین» و «ذکر» آمده، در این جا از هم تفکیک و بدین ترتیب ذکر شده اند:

- «دین»، «دین»، «دین»، «الدین»، «الدین» و «دین(ی)»؛
- «ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «ذکر»، «الذکر»، «الذکر» و «الذکر».

در بخش فعل هم وضع تقریباً به همین منوال است؛ یعنی اول فعل مضارع مرفوع، پس از آن فعل منصوب، و سپس فعل مجزوم ذکر می شود؛ مثل «يَجْعَلُ»، «يَجْعَلُ» و «يَجْعَلُ» و نیز «يَأْتِي» و «يَأْتِي».

واژه «موسی» در «موسی الکتاب» (بقره: ۵۳)، صورت اصلی کلمه مدنظر بوده و واژه های یادشده به ترتیب، ذیل مدخل «اسأل»، «قل»، «رأوا» و «موسی» آمده اند.

۸) در صورتی که هر یک از واژه های قرآنی بیش از یک مورد کاربرد داشته است، فراوانی کاربرد آن را زیر مدخل و داخل پرانتز ذکر کرده است.

ویژگی های ستون آیات

برخی از ویژگی های ستون آیات به قرار زیر است:

۱- هر چند هدف اصلی این قبیل معجم ها، تسریع و تسهیل در امر جستجوهای لفظی و به اصطلاح «واژه یابی» است، ولی با کامل و یا کامل تر کردن سیاق آیات به گونه ای که به تنهایی معنای کامل و محصلی را افاده کند و حتی الامکان انسان را از مراجعه به متن قرآن بی نیاز سازد، زمینه تا حدودی برای جستجوهای مفهومی و به اصطلاح «موضوع یابی» فراهم آمده است. مؤلف در این راستا خود چنین می گوید:

یکایک آیات معجم مرحوم عبدالباقی مورد بررسی مجدد قرار گرفته و با مراجعه مکرر به قرآن کریم و مشاهده متن کامل هر یک از آیات و در مواردی نیز مشاهده آیات قبل و بعد، حذف و اضافاتی در بسیاری از آنها صورت داده ایم ... در یک کلام، می توان گفت: گزینش مقدار کلمات یک آیه با توجه به معیارهای سه گانه زیر صورت گرفته است: الف) حتی الامکان کامل بودن معنای سیاق آیه؛ ب) اکتفا به مقدار لازم و پرهیز از افزایش حجم معجم؛ ج) سفیدخوانی و زیبایی صفحات معجم. در عین حال، در مواردی که در حذف بخشی از یک آیه در تردید بوده ایم، احتیاط را در جانب پرهیز از حذف، نگاه داشته ایم؛ با این همه، در موارد نسبتاً نادری ملاحظه می شود سیاق آیه کامل نیست و این، یا ناشی از ایجاز و حذفی است که به عللی در متن خود آیه صورت گرفته و یا کامل کردن سیاق مستلزم ذکر مقدار زیادی از یک آیه بوده است که به خاطر حجیم نشدن کتاب، از آن صرف نظر کرده ایم.

۲- به منظور تسریع و تسهیل در دستیابی به آیه مورد نظر، واژه مدخل در متن آیه با حروف سیاه و رنگی مشخص شده است.

۳- در مواردی که آیه مربوط به مدخل بعد ادامه آیه قبل باشد،

با قرار دادن علامت «*» در آخر آیه قبل و علامت «ج» در ابتدای آیه بعد، این اتصال و تداوم نشان داده شده است.

۴- درشت بودن حروف مورد استفاده.

فصل الختام این نوشتار را ذکر سخنی از مؤلف کتاب قرار می دهیم. وی پس از اشاره به دقت ها و کوشش های فراوانی که در تدوین و آماده سازی بخش های مختلف کتاب به عمل آمده و نیز چندین و چند نوبت نمونه خوانی و به ویژه تصحیحاتی که توسط مصححان سازمان دارالقرآن الکریم بر روی فایل قرآن کریم - که در تدوین معجم مورد استفاده قرار گرفته است - انجام شده است، می نویسد:

امید آن می رود که ان شاء الله معجم حاضر خالی از هر گونه سهو و خطا باشد؛ ولی با توجه به: ۱- حجم گسترده کار ۲- اعراب گذاری کامل آیات و مشکل ساختن آنها؛ ۳- کامل و یا کامل تر کردن سیاق آیات که مستلزم افزودن کلمه یا کلماتی بر مقدار آیه و یا کاستن از آن بوده است، همواره این احتمال وجود دارد که سهو و خطایی از چشم نگارنده و دیگر مصححان به دور مانده باشد. بر خوانندگان و قرآن پژوهان گرامی پوشیده نیست که در جریان کامل کردن سیاق آیات و اعراب گذاری آنها، به تعداد دفعات افزودن بر مقدار آیه و یا کاستن از آن و نیز به تعداد حرکاتی که بر یکایک حروف نشسته، بر ضریب خطای کار افزوده می گردد.

در هر حال، بدیهی است به انجام رسیدن این قبیل کارهای خطیر، مشارکت و مساعدت انسان های فرهیخته و تیزبین را می طلبد؛ از این رو، نگارنده از همه قرآن پژوهان و علاقه مندان به این کتاب آسمانی شدیداً درخواست می کند به منظور بزرگداشت قرآن کریم و حرمت نهادن به مقام والای آن، با گوشزد کردن سهو و خطاهای احتمالی معجم حاضر و ارسال انتقادات و پیشنهادهای خود، وی را در پیراستن کاستی های آن در چاپ های بعدی یاری رسانند.

